

تحلیلی بر کیفیت فضاهای عمومی در شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید عالیشهر)^۱

سروش گرمسیری نژاد^۲، احمدعلی خرم‌بخت^{۳*}، مرضیه موغلی^۴

۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد لارستان، دانشگاه آزاد اسلامی، لارستان، ایران

۳. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد لارستان، دانشگاه آزاد اسلامی، لارستان، ایران

۴. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد لارستان، دانشگاه آزاد اسلامی، لارستان، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۱۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۰۹

چکیده

فضاهای عمومی شهری به‌مثابه‌ی بستری برای تولید و تبادل فعالیت‌های عمومی و مدنی شهروندان یک شهر می‌باشند و کیفیت مناسب این فضاها شرطی لازم برای هر جامعه‌ی شهری محسوب می‌شود. با توجه به اهمیت این فضاها، هدف از تحقیق حاضر ارزیابی کیفیت فضاهای عمومی شهر جدید عالیشهر می‌باشد. در این راستا روش تحقیق، آمیخته (ترکیبی از رویکردهای کمی - کیفی) با هدف کاربردی و ماهیت توصیفی - تحلیلی و پیمایشی است. جامعه‌ی آماری تحقیق نیز شامل ساکنان شهر جدید عالیشهر بوده (حدود ۳۰۰۰۰ نفر)، که حجم نمونه بر مبنای فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به‌دست آمده است. هم‌چنین به‌منظور تحلیل داده‌ها از معادلات ساختاری مبتنی بر وارینانس با روش حداقل مربعات جزئی در نرم‌افزار Smart-pls استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بر مبنای مدل ساختاری و مقدار آماره تی به‌دست آمده، از بین ۱۷ متغیر مورد بررسی در راستای ارزیابی کیفیت فضاهای عمومی شهر جدید عالیشهر، تنها ۸ متغیر تحقق یافته‌اند و دارای ارزش تی بالاتر از ۱/۹۶ می‌باشند. هم‌چنین با توجه به نتایج مستخرج می‌توان گفت که برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای عمومی شهر جدید عالیشهر از منظر مؤلفه‌هایی چون حیات شبانه، پاسخگویی به نیازهای مکانی-زمانی، حضور متداوم افراد، تنوع کاربری‌ها و فعالیت‌ها و استفاده از الگوها و رنگ‌های متنوع برای طراحی مبلمان و مناظر شهری (سرزندگی و جذابیت منظر شهر) دارای کاستی‌های اساسی می‌باشد و نیازمند بازنگری در اصول برنامه‌ریزی و طراحی این فضاها احساس می‌گردد.

کلید واژه‌ها: فضای شهری، فضای عمومی، شهر جدید، عالیشهر.

^۱ - مقاله‌ی حاضر برگرفته از رساله‌ی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری در شهرهای جدید با رویکرد توسعه‌ی پایدار، نمونه موردی: عالیشهر» با همکاری نویسندگان می‌باشد.

مقدمه

در دهه‌های اخیر افزایش روزافزون جمعیت شهری و تراکم صنایع، ادارات و مراکز اقتصادی در مناطق شهری، باعث ایجاد مسائلی چون خستگی ناشی از سبک زندگی، آلودگی هوا، آلودگی صوتی و استرس و فشارهای روانی در بین ساکنان این سکونتگاه‌ها گردیده و نیاز به ارتباط بهتر در یک جامعه برای سرزندگی، گفتمان و مشارکت عمومی بیشتر و درک مشترک مسائل را ضروری ساخته است (Gunder, 2011). این نیاز انسان به روابط اجتماعی و سرزندگی، او را نیازمند فضاهایی برای تبادل افکار و اندیشه نموده است و فضاهای عمومی شهری مکان‌هایی هستند که به ایجاد این عوامل منجر می‌شوند (شولتز، ۱۳۸۴). فضاهای عمومی انواع متنوعی از اشکال فیزیکی و ویژگی‌های اجتماعی را دارا می‌باشند. هم‌چنین این فضاها، به‌عنوان مکانی برای لذت بردن از فعالیت‌های مختلف و افزایش تعاملات و روابط اجتماعی شناخته می‌شوند (NSW Government, 2010). در این راستا، فضاهای عمومی باکیفیت در مناطق شهری از اهمیت اساسی برخوردارند و باعث بهزیستی اجتماعی می‌شوند (López-Mosquera and Sánchez, 2011; Peschardt and Stigsdotter, 2013). و اهمیت فضاهای عمومی و تأثیر آن بر کیفیت زندگی در پژوهش‌های مختلف به اثبات رسیده است (De Groot, 1992:13; Naveh, 1997; Ward Thompson, 2002; Chiesura, 2004). بنابراین، می‌توان گفت کیفیت بالا و مثبت زندگی شهری در فضاهای عمومی، شرطی لازم برای جامعه است؛ به‌طوری‌که مردم را قادر می‌سازد که از تعاملات اجتماعی لذت ببرند (Garcia-Ramon et al, 2004). طی دو دهه‌ی گذشته طراحی و استفاده از فضاهای عمومی توجه زیادی در بحث آکادمیک به خود اختصاص داده است (Carmona, 2010a; Hartmann and Jehling, 2018; Müller, 2019). درحالی‌که مدیریت فضاهای عمومی -نگهداری و نوسازی آنها- در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌ها تا حد زیادی نادیده گرفته می‌شود (Maring and Blauw, 2018). از این‌رو، ارزیابی کیفیت این فضاها در ابعاد مختلف و کاربست راهکارهایی در راستای نائل آمدن به ارتقای آنها و بهبود وضعیت موجود ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. هم‌چنین قابل ذکر است که ارزیابی‌ها و تبیین‌ها بایستی با دیدگاهی جامع (تیموریان، ۱۴۰۰)، همه‌شمولی و حضورپذیری فعال و پویا در این فضاها را مدنظر قرار دهند (خراسانی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹).

با توجه به اهمیت فضاهای عمومی در شهرهای امروزی، هدف از تحقیق حاضر سنجش کیفیت این فضاها در شهر جدید عالیشهر بوشهر می‌باشد، تا با شناسایی کیفیت موجود این فضاها به ارائه‌های راهکارهای اجرایی در راستای ارتقای فضاهای عمومی این شهر نائل آمد. شهر جدید عالیشهر با دارا بودن وضعیت فیزیکی و اقلیمی مناسب و با هدف کلی جذب جمعیت سرریز منطقه‌ی شهری بوشهر، پایه‌گذاری اقتصاد شهر براساس صنایع مطلوب منطقه و خدمات آموزش عالی، حفظ تعادل اکولوژیکی شهر و منطقه، ایجاد محیط‌زیست مناسب و ...، به‌عنوان مکانی مناسب جهت اسکان و سرمایه‌گذاری و هم‌چنین قطب دانشگاهی در استان بوشهر مطرح می‌باشد. در این راستا با توجه به افزایش جمعیت شهر و انتقال مسائل شهرهای دیگر علی‌الخصوص شهر بوشهر به این شهر و ضرورت حفظ و ماندگاری ساکنان توجه به برنامه‌ریزی و طراحی مناسب فضاهای عمومی در شهر عالیشهر احساس می‌گردد. بنابراین تحقیق حاضر به‌دنبال پاسخگویی به سؤال زیر می‌باشد:

کیفیت فضاهای عمومی شهر جدید عالی شهر به چه صورتی می باشد؟

در راستای موضوع فضاهای عمومی، مطالعات مختلفی در ابعاد ارزیابی کیفیت، طبقه بندی، مدیریت آنها و ... مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است. با این حال ارزیابی جامع کیفیت این فضاها به ویژه در شهرهای جدید خلأ پژوهش های گذشته می باشد. از این رو، در تحقیق حاضر ابتدا با استفاده از شاخص ها و مدل های به کاررفته برای سنجش فضاهای عمومی، معیارهای ارزیابی کیفیت فضاهای عمومی شناسایی و سپس در محدوده ی مورد مطالعه مورد سنجش قرار گرفته است. در ادامه به مهمترین پژوهش های انجام گرفته در سال های اخیر با محوریت فضاهای عمومی اشاره می گردد.

کاشانی جو (۱۳۸۹)، در تحقیقی رویکردهای نظری فضاهای عمومی شهری را مورد مطالعه قرار داده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد که دیدگاه های ارائه شده در ارتباط با موضوع فضاهای عمومی در بسیاری موارد واجد جنبه هایی مشترک بوده اند و ثابت بودن اهمیت نقش کالبدی و اجتماعی فضاهای عمومی شهری، تأکید بر رویکردهای پایداری، ایجاد امنیت و انسان مداری در برنامه ریزی و طراحی این فضاها می باشد. رفیعیان و همکاران (۱۳۹۱)، در مطالعه ی خود به بررسی تطبیقی رویکردهای سنجش کیفیت در طراحی فضاهای عمومی شهری پرداخته اند. در این مطالعه اشاره شده است؛ یکی از روش هایی که از دهه های گذشته به منظور سنجش کیفیت فضاهای شهری مورد استفاده قرار می گرفت، ارائه ی پارامترهای مشخص با عنوان مؤلفه های کیفی محیط بوده است که در نهایت با سنجش مؤلفه ها، به میزان مطلوبیت یا عدم مطلوبیت محیط اشاره می گردید. هم چنین علاوه بر بیان پارامترهای کیفی، نظریه پردازان در راستای مطالعات خود مدل هایی برای طبقه بندی این کیفیت ها ارائه کرده اند. نتایج این مطالعه بر مبنای بررسی مدل های ارائه شده توسط نظریه پردازان مختلف نشان می دهد که جامع ترین مدل و شاخص های ارزیابی کیفیت فضاهای عمومی در مطالعه ی کرمونا تحت عنوان «مکان های عمومی، مکان های شهری» بیان گردیده است. شجاعی و پرتوی (۱۳۹۱)، در پژوهشی تحت عنوان عوامل مؤثر بر ایجاد ارتقاء اجتماع پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس های مختلف شهر تهران، فضاهای عمومی منطقه ۷ تهران (دو محله ی دبستان و سهروردی و ناحیه ی ۴) را مورد بررسی قرار داده اند. نتایج پژوهش نشان می دهد فضاهای عمومی ناحیه با وجود دسترسی کمتر و بعد فاصله ای بیشتر مورد استقبال اکثر ساکنین دو محله نسبت به فضاهای عمومی خود قرار گرفته و از اجتماع پذیری بالایی برخوردارند. هم چنین نتیجه ی حاصل شده نشان می دهد که توجه به معیارهای اجتماع پذیری در حین برنامه ریزی و طراحی فضاها موجب می شود آنها در کنار یکدیگر و در مقیاس های مختلف به حیات خود ادامه دهند. محمد یارزاده و شمس الهی (۱۳۹۷)، در پژوهشی به بررسی نقش فضاهای عمومی در تحقق شکوفایی شهری و توسعه ی پایدار پرداخته اند. نتایج پژوهش نشان می دهد که بایستی به فضاهای عمومی به عنوان بستری برای تشویق شهروندان به امر مشارکت و پذیرش مسئولیت های اجتماعی و نیز آموزشگاهی برای انتقال دانش و آگاهی های لازم برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان نگرست و ارتقاء این فضاها را در اولویت برنامه ریزی و طراحی شهر قرار داد. در این راستا، توسعه و توجه به فضاهای عمومی سبب توسعه ی اقتصادی شهر، ارتقای سلامت شهروندان، بهبود وضعیت آموزش شهروندان و باززنده سازی هویت های محلی شهر خواهد گردید.

هم‌چنین کورنیواتی (۲۰۱۲)، در پژوهش خود تحت عنوان فضای عمومی برای مردم گوشه‌گیر، به این نتیجه دست یافته است که وجود فضاهای عمومی دارای خصیصه‌ی اجتماع‌پذیری، مکمل مهمی در جهت اجتماعی شدن افراد است. علاوه بر این، اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی موجب ارتقاء روحیه‌ی همبستگی و رشد فردی، بدون در نظر گرفتن جنسیت، نژاد، قومیت، سن یا سطح اجتماعی و اقتصادی می‌گردد. میروسلاو (۲۰۱۶)، در پژوهشی تحت عنوان طبقه‌بندی فضاهای عمومی در واحدهای محلی (بازآفرینی شهری به واسطه‌ی فضای عمومی)، به این نتایج دست یافته است که مشکلات موجود در فضاهای عمومی محله‌های شهری، چه در سطوح اجتماعی و چه از نظر مکانی، با بیگانگی کاربران، عدم فعالیت مشترک و اقامت در فضای باز محله، سطح پایین نشاط، عدم نگهداری کافی و کاهش ایمنی آشکار می‌شود. در یک فرایند مداوم دو طرفه، مردم فضا را ایجاد و اصلاح می‌کنند و در عین حال فضا افراد را تحت تأثیر قرار داده و تغییر می‌دهد. بنابراین ارتقای فضاهای عمومی یکی از اصول اولیه در بازآفرینی شهری تلقی می‌گردد. مندلی (۲۰۱۹)، نیز در پژوهشی تحت عنوان فضای عمومی و چالش تحول شهری در شهرهایی با اقتصاد نوظهور، شهر جده در عربستان را مورد بررسی قرار داده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که غلبه‌ی تفکرات مدرنیستی در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای عمومی شهر جده باعث ایجاد فضاهای بی‌معنی، غیردوستانه و بلااستفاده شده است.

با توجه به پیشینه‌ی مطالعاتی (نظری و تجربی) می‌توان گفت که فضاهای شهری شامل طیف وسیعی از انواع فضاهای عمومی تا خصوصی می‌باشند. به عبارت دیگر هر فعالیت و رفتار، حریم و قلمرو خاص خود را داراست و متقابلاً هر فضا نیز دارای حرمت و حریم خود می‌باشد. در ایت بین، فضاهای موجود در شهر را به لحاظ نحوه‌ی استفاده از آنها به سه دسته‌ی کلی می‌توان تقسیم بندی نمود (پاکزاد، ۱۳۸۵):

الف) فضاهای خصوصی: آن بخش از فضاهای شهر که به صورت خصوصی توسط اشخاص تحت تصرف یا تملک قرار گرفته و مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ فضاهایی چون خانه‌های مسکونی، حیاط‌ها و باغ‌های خصوصی از آن جمله‌اند.

ب) فضاهای نیمه‌خصوصی یا نیمه‌عمومی: آن دسته از فضاهای موجود در شهر که به علت محدودیت در هدف و کاربری آن، توسط گروهی خاص از افراد مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ فضاهایی چون مجتمع‌های مسکونی و محوطه‌های آنان، ورزشگاه‌ها و نمایشگاه‌ها.

ج) فضاهای عمومی: آن دسته از فضاها می‌باشند که عموم شهروندان بدون نیاز به کنترل و ... حق ورود و حضور در آنان را دارند؛ فضاهایی چون خیابان‌ها، پارک‌ها، میادین، بازارها و مساجد. این دسته از فضاها به واسطه‌ی مقیاس عملکردی و هم‌چنین طیف متنوع و گسترده‌ی مخاطبین خود دارای بیشترین سهم در حیات جمعی شهروندان می‌باشند. از این‌رو ارتقاء کیفی این دسته از فضاها بیش از سایر فضاها موجب ایجاد جامعه‌ی شهری سالم و شکوفا خواهد شد.

در راستای مفهوم و ویژگی‌های فضای عمومی نظرات و دیدگاه‌های متعددی ارائه شده است. بر مبنای نظر تیبالدز (۱۹۹۲)، از ویژگی‌های فضاهای عمومی دسترسی فیزیکی و بصری عموم مردم به آنها می‌باشد و بیشترین حجم تماس‌ها و تعاملات انسانی در آن اتفاق می‌افتد. هم‌چنین طبق نظر وی، مفهوم فضاهای عمومی از خیابان‌ها، پارک‌ها و میدان‌ها یک شهر یا شهرک تا ساختمان‌هایی که آنها را محصور کرده‌اند، گسترش می‌یابد. کوهن (۲۰۰۴)، مالکیت، دسترسی پذیری و چندفاعلی

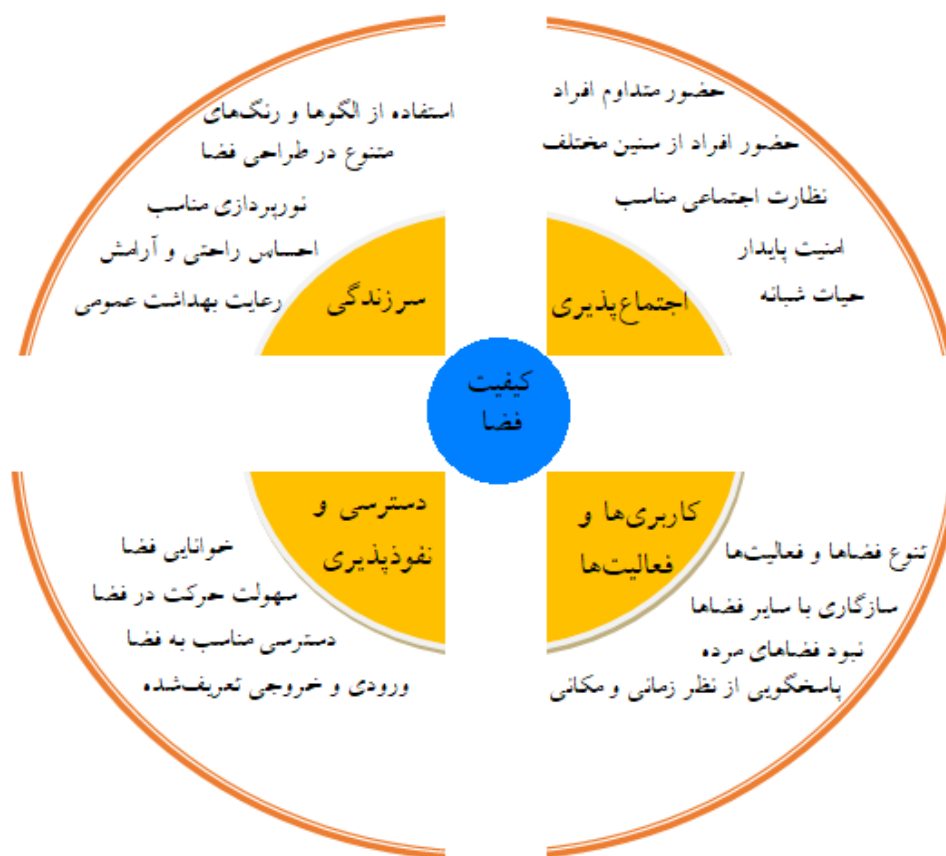
بودن را سه جزء اساسی فضای عمومی می‌داند. هم‌چنین مفهوم فضای عمومی معمولاً به مکانی اشاره دارد که تحت مالکیت دولت است، برای هر کسی بدون محدودیت در دسترس است و ارتباط و تعامل را ترویج می‌دهد. براون (۲۰۰۶)، مفهوم فضای عمومی را به معنای همه‌ی فضاها، فیزیکی و روابط اجتماعی می‌داند که استفاده از آن فضا را در درون قلمرو غیرخصوصی شهرها مشخص می‌کند. بر مبنای نظر وی، فضای عمومی شهری شامل میدان‌های رسمی، جاده‌ها، خیابان‌ها و هم‌چنین زمین‌های خالی و حاشیه‌ای و دیگر «فضاهای لبه‌ای» می‌شود (Carmona and Wunderlich, 2012). بر اساس نظر اوروم و نیل (۲۰۱۰)، فضای عمومی شامل همه‌ی مناطقی می‌شود که برای اعضای عمومی در یک جامعه (در اصل و نه لزوماً در عمل) باز و در دسترس است. مفهوم فضای عمومی طبق نظر کرمونا (۲۰۱۰)، تعریف وسیع و گسترده مرتبط با همه‌ی بخش‌های محیط ساخته‌شده و طبیعی، عمومی و خصوصی، داخلی و خارجی، شهری و روستایی است. جایی که عموم آزادند؛ اگر چه لزوماً دسترسی به آنها بدون محدودیت نیست.

با توجه به مبانی نظری ارائه‌شده می‌توان گفت که کیفیت زندگی در شهرهای معاصر را نمی‌توان تنها بر پایه‌ی دسترسی به عناصر اساسی مانند غذا، آب، مسکن و مراقبت‌های پزشکی قضاوت کرد. عناصر دیگری هم‌چون امکان درگیری در تعاملات معنادار با اجتماع وسیع‌تر، مشارکت مدنی و نزدیکی به خانواده و دوستان نیز بایستی مورد توجه قرار بگیرد. از این‌رو کیفیت زندگی قبل از همه، به شرایط توسعه‌ی فضاها، زندگی شهری بستگی دارد و در حقیقت بخش بزرگی از آن در فضاها، عمومی شهر تجربه می‌شود (Lopez and Camanho, 2012). هم‌چنین می‌توان عنوان کرد که کیفیت فضای عمومی شهری، چگونگی این فضا برحسب برجسته‌ترین نمودها و حالت‌های آن است که بر فرد و اجتماع تأثیر می‌گذارد (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۱). یک فضای عمومی باکیفیت فضایی است که واجد برخی خصوصیات و ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و معنایی باشد تا بتواند به‌مثابه‌ی یک برند برای بازدیدکنندگان مطرح شود. هم‌چنین کیفیت یک فضا یا مکان شامل محیط اجتماعی آن، سنت‌های مدنی، امکانات فرهنگی و فرصت‌های تفریحی آن فضا است (Reily and Renski, 2008). بنابراین، زمانی می‌توان فضاها، عمومی شهری را باکیفیت ارزیابی کرد که کاربران آن، ادراک خوب و رضایت‌بخشی از آن فضا داشته و آن را متعلق به خود بدانند. تا جایی که از بودن در آن فضا احساس لذت و سرزندگی، امنیت و خودشکوفایی کنند (Banerjee, 2001).

تاکنون شاخص‌های مختلفی از منظر دیدگاه صاحب‌نظران برای سنجش کیفیت فضاها، عمومی ارائه شده است. طبق نظر مهتا، کیفیت فضاها، عمومی از شاخص‌های کالبدی - فضایی، فعالیتی - اجتماعی و نمادین فضا حاصل می‌شود (Mehta, 2014). یان‌گل بر فعالیت‌های انسانی تأکید می‌کند؛ وی انواع فعالیت‌های انسان در فضاها، عمومی را به سه گروه عمده تقسیم نموده و معتقد است که با سنجش این فعالیت‌ها، می‌توان در مورد موفقیت یک فضای عمومی قضاوت کرد (Gehl, 2011). این سه دسته فعالیت عبارتند از: ۱) فعالیت‌های ضروری - کارکردی: این فعالیت‌ها تحت هر شرایطی و بدون توجه به کیفیت‌های محیط کالبدی رخ می‌دهد، زیرا مردم ناچار به انجام آنها هستند. مثل عبور از فضا، رفتن به مدرسه و محیط کار و ... ۲) فعالیت‌های اختیاری - گزینشی: این فعالیت‌ها نسبت به کیفیت فضا حساس‌اند و تنها در صورت وجود جذابیت و دعوت‌کنندگی فضا رخ می‌دهند. ۳) فعالیت‌های اجتماعی: فعالیت‌هایی که در هنگام حضور مردم در فضا

رخ می‌دهند. مثل نگاه کردن، گوش دادن و مشارکت فعال یا غیرفعال در محیط. از نظر گر و همکاران (۱۹۹۲)، یک فضای عمومی موفق دارای سه ویژگی پاسخگویی به نیازهای کاربران، دموکراتیک بودن و مناسب بودن جهت انجام فعالیت‌های اجتماعی می‌باشد. لنگ، آن دسته از فضاهای عمومی را باکیفیت می‌داند که پاسخگو به نیازهای مختلفی هم‌چون؛ نیازهای فیزیولوژیک انسان، نیازهای ایمنی و امنیت، نیاز به تعلق و وابستگی، نیاز به عزت و حرمت، نیاز به خودشکوفایی و نیاز به ادراک و زیبایی باشد (پاکزاد، ۱۳۸۵). کرمونا نیز شش عامل را برای شناسایی فضاهای عمومی باکیفیت نام برده است که عبارتند از: کالبدی، ادراکی، اجتماعی، بصری، عملکردی و زمانی (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۱).

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان شاخص‌های ارزیابی کیفیت فضاهای عمومی را در شکل شماره ۱ نمایش داد.



شکل ۱ - شاخص‌های ارزیابی کیفیت فضاهای عمومی

روش پژوهش

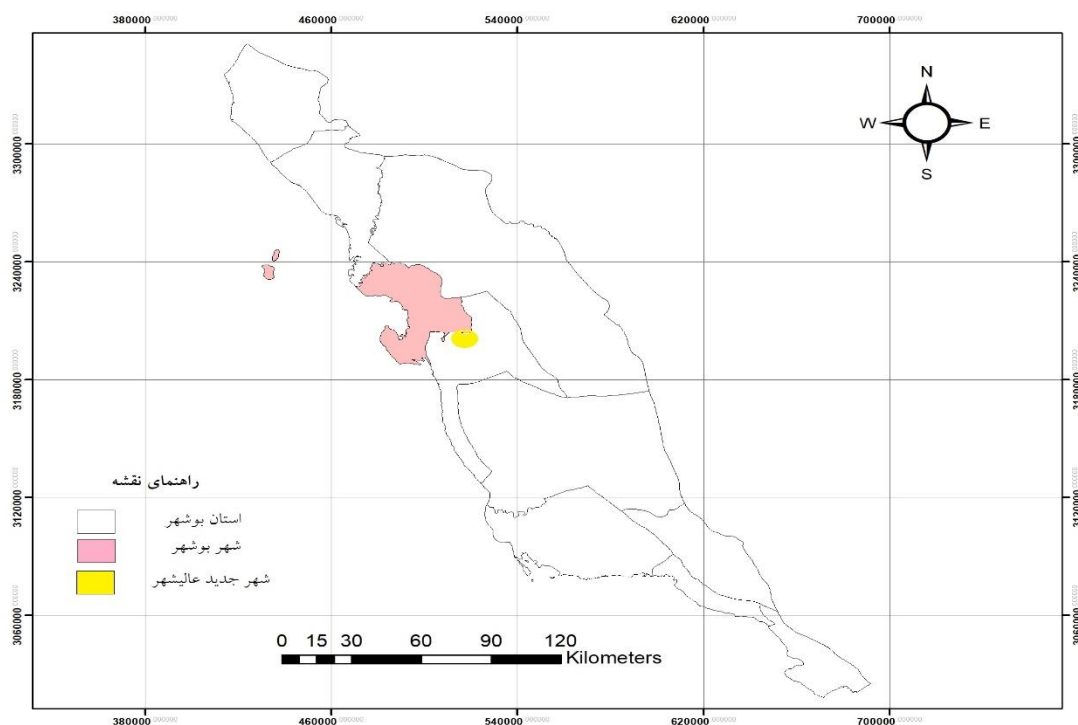
روش تحقیق در پژوهش حاضر، آمیخته (ترکیبی از رویکردهای کمی - کیفی) با هدف کاربردی و ماهیت توصیفی - تحلیلی می‌باشد. در این تحقیق ابتدا با استفاده از مطالعات اسنادی شاخص‌های تأثیرگذار بر کیفیت فضاهای عمومی شناسایی و سپس وضعیت کیفیت این فضاها از ساکنان شهر جدید عالیشهر پرسشگری شده است. بنابراین، جامعه‌ی آماری

تحقیق ساکنان شهر جدید عالیشهر بوده (حدود ۳۰۰۰۰ نفر) و حجم نمونه بر مبنای فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به دست آمده است که نحوه‌ی انتخاب آنها بر اساس روش الگوی تصادفی می‌باشد. هم‌چنین به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق از معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس با روش حداقل مربعات جزئی در نرم‌افزار Smart-pls استفاده شده است. پرسشنامه‌ی تحقیق حاضر با استفاده از گویه‌های جدول شماره ۱ به صورت لیکرت ۵ مقیاسی طراحی شده است. لازم به ذکر است که قلمرو این پژوهش در ابعاد زمانی و مکانی مربوط به پاییز و زمستان ۱۳۹۹ در شهر جدید عالیشهر می‌باشد. هم‌چنین برای سهولت کار تمام متغیرهای موجود در پژوهش کدبندی شده‌اند.

جدول ۱ - شاخص‌های تأثیرگذار بر کیفیت فضاهای عمومی

شاخص‌های ارزیابی کیفیت فضاهای عمومی (PSQ)	گویه
اجتماع‌پذیری (S)	حضور افراد از سنین مختلف S1، حضور متداوم افراد S2، داشتن حیات شبانه S3، نظارت اجتماعی مناسب S4، امنیت پایدار فضا به‌ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیر S5.
کاربری و فعالیت‌ها (UA)	تنوع کاربری‌ها و فعالیت‌ها UA1، سازگاری با سایر فضاها UA2، پاسخگویی به نیازهای زمانی و مکانی UA3، نبود فضاهای مرده و مسکوت UA4.
دسترسی و نفوذپذیری (AP)	دسترسی مناسب به فضا API، ورودی و خروجی تعریف‌شده AP2، سهولت حرکت در فضا AP3، خوانایی فضا AP4.
سرزندگی (V)	استفاده از الگوها و رنگ‌های متنوع برای طراحی میلمان و منظر شهری V1، دلپذیری به مکان و احساس راحتی و آرامش در فضا V2، رعایت بهداشت عمومی و پاکیزه بودن فضا V3، نورپردازی مناسب فضا V4.

در راستای قلمرو پژوهش می‌توان گفت که شهر جدید عالیشهر در مساحتی حدود ۱۰۰۰ هکتار و با ظرفیت جمعیتی ۱۰۰۰۰۰ نفر در فاصله‌ی ۲۵ کیلومتری جنوب شرقی بندر بوشهر در دامنه‌ی ارتفاعات معروف به کوه‌های کلاتک با شیب ملایم حدود ۱/۵ درصد و در مجاورت جنگل‌های گز احداث شده است. با توجه به وضعیت توپوگرافی زمین، فرم کلی این شهر به صورت خطی درآمده است. قابل ذکر است که مطالعات مکان‌یابی اولیه‌ی این شهر در قالب تحلیل‌های صورت‌گرفته در اولین طرح جامع بوشهر (مصوب ۱۳۶۴)، به‌ویژه با در نظر گرفتن اصول دسترسی سریع و آسان، محدودیت شعاع ۱۶ کیلومتری نیروگاه اتمی، وجود زمین‌های پست و آبگیر در شهر بوشهر انجام گرفته است. جمعیت این شهر بر اساس آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، ۲۳۱۷۸ نفر بوده است که در سال‌های اخیر با احداث مسکن مهر به حدود ۳۰۰۰۰ نفر رسیده است. در تحقیق حاضر کلیه‌ی فضاهای عمومی شهر (پارک‌ها، خیابان‌ها، فضاهای سبز، مراکز خرید و ...) مورد بررسی قرار گرفته است.



شکل ۲ - موقعیت جغرافیایی شهر جدید عالیشهر

یافته‌ها

ارزیابی شاخص‌های کیفیت فضاهای عمومی در شهر جدید عالیشهر به منظور ارزیابی کیفیت فضاهای عمومی شهر جدید عالیشهر از شاخص‌های جدول شماره ۱ و روش حداقل مربعات جزئی استفاده شده است.

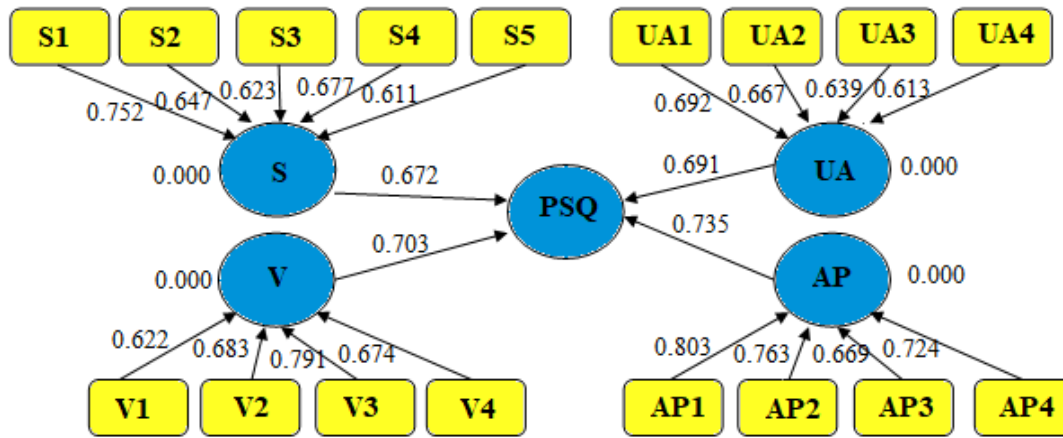
الف) آزمون پایایی و روایی مدل‌های اندازه‌گیری

در روش حداقل مربعات جزئی (PLS) باید پایایی متغیرها محاسبه شود. ضریب سنتی برای بررسی پایایی متغیرها ضریب آلفای کرونباخ است. اما چون این ضریب کمی سختگیرانه است، در تحقیقاتی که از معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس استفاده می‌کنند، می‌توان از ضریب ترکیبی نیز استفاده نمود. تفاوتی ندارد که از کدام ضریب استفاده می‌شود در هر صورت مقدار قابل قبول برای این دو ضریب حداقل ۰/۷ است. در این تحقیق هر دو ضریب آلفای کرونباخ و ضریب ترکیبی برای بررسی پایایی متغیرها مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۲ - خروجی الگوریتم PLS در آزمون پایایی مدل‌های اندازه‌گیری

	ضریب ترکیبی	آلفای کرونباخ
S	۰/۷۰۹۸۱۳	۰/۷۸۴۱۴۷
UA	۰/۷۵۸۱۰۹	۰/۸۰۳۴۲۶
AP	۰/۷۲۶۳۲۸	۰/۸۱۶۷۱۴
V	۰/۷۴۵۱۱۹	۰/۷۸۱۶۲۹

همان طور که در جدول ۲ مشخص است مقادیر آلفای کرونباخ و ضریب ترکیبی برای تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ است که به معنی پایایی مناسب متغیرها است.



شکل ۳ - آزمون پایایی مدل‌های اندازه‌گیری (بار عاملی)

شکل ۳ نشان می‌دهد که تمامی مؤلفه‌ها دارای بار عاملی بالاتر از مقدار حداقلی ۰/۷ هستند که بیانگر پایایی مناسب مؤلفه‌ها است.

هم‌چنین برای ارزیابی روایی در مدل‌های حداقل مربعات جزئی بایستی روایی همگرا و هم‌روایی افتراقی را مورد محاسبه قرار داد. در روش حداقل مربعات جزئی از متوسط واریانس استخراج شده (AVE) برای محاسبه روایی همگرا استفاده می‌شود. مقدار حداقلی برای روایی همگرای مناسب برای هر متغیر ۰/۵ است (جدول ۳). هم‌چنین برای بررسی روایی افتراقی مؤلفه‌ها باید از جذر متوسط واریانس استخراج شده برای هر متغیر استفاده نمود. محاسبه‌ی جذر متوسط واریانس استخراج شده برای هر متغیر به روش دستی می‌باشد (جدول ۳) و جذر به دست آمده باید از ضریب همبستگی آن متغیر با سایر متغیرها بیشتر باشد.

جدول ۳ - روایی همگرایی متغیرها (متوسط واریانس استخراج شده) و جذر متوسط واریانس استخراج شده

	AEV	جذر AEV
S	۰/۵۹۷۱۲۵	۰/۷۷۲۷۳۸
UA	۰/۷۲۶۱۹۷	۰/۸۵۲۱۷۱
AP	۰/۶۸۲۵۸۳	۰/۸۲۶۱۸۵
V	۰/۶۴۴۸۰۶	۰/۸۰۲۹۹۸

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد مقدار متوسط واریانس استخراج شده برای متغیرهای اصلی این تحقیق بین ۱/۰۰۰ و ۰/۵۹۷ است که از مقدار حداقلی ۰/۵ بیشتر است که نشانگر روایی همگرایی مناسب متغیرها است. هم‌چنین در بررسی روایی افتراقی متغیرها که به‌عنوان روایی تقاطعی متغیرها هم یاد می‌شود، بار عاملی هر گویه (متغیر آشکار) با سازه‌ی خود (متغیر

پنهان)، بایستی حداقل ۰/۱ بیشتر از بار عاملی آن گویه بر سازه‌ی دیگر باشد. خروجی‌ها در این خصوص نشان می‌دهد که بار عاملی هر گویه (متغیر آشکار) با سازه‌ی خود (متغیر پنهان)، حداقل ۰/۱ بیشتر از بار عاملی آن گویه بر سازه‌ی دیگر است.

نهایتاً جهت بررسی روایی افتراقی، از ماتریس همبستگی متغیرهای پنهان/سازه و جذر متوسط واریانس استخراج شده استفاده می‌شود. در این ماتریس جذر به دست آمده (جدول ۴) جایگزین اعداد قطر ماتریس می‌شود، در این ماتریس باید اعداد جذر بیشتر از همبستگی سازه با سازه باشد.

جدول ۴ - ماتریس همبستگی و جذر متوسط واریانس استخراج شده

	S	UA	AP	V
S	۰/۷۷			
UA	۰/۲۳	۰/۷۱		
AP	۰/۱۷	۰/۲۷	۰/۸۲	
V	۰/۲۵	۰/۰۹	۰/۳۱	۰/۷۶

همان‌طور که در جدول ۴ قابل مشاهده است، مقدار جذر متوسط واریانس استخراج شده برای تمامی سازه‌ها (متغیرهای پنهان) از ضریب همبستگی آن با سایر سازه‌ها بیشتر است که نشان‌دهنده‌ی روایی افتراقی مناسب سازه‌ها (متغیرهای پنهان) می‌باشد.

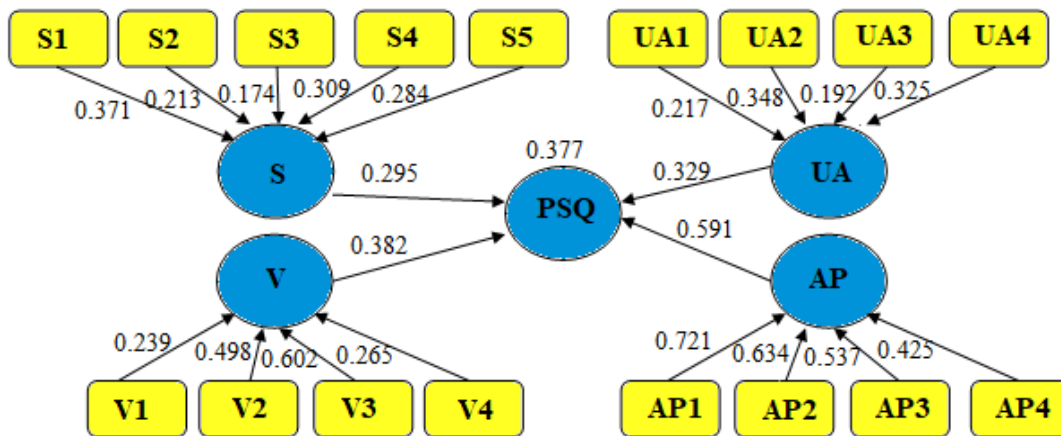
ب) آزمون مدل ساختاری

مدل ساختاری مدلی است که در آن روابط بین متغیرهای مکنون و وابسته مورد توجه قرار می‌گیرد. یک مدل معادلات ساختاری از چندین مدل اندازه‌گیری و فقط یک مدل ساختاری تشکیل می‌شود؛ در آزمون مدل ساختاری معیارهای زیر را بررسی می‌کنیم:

شاخص ضریب تعیین (R^2) متغیرهای مکنون درون‌زا؛

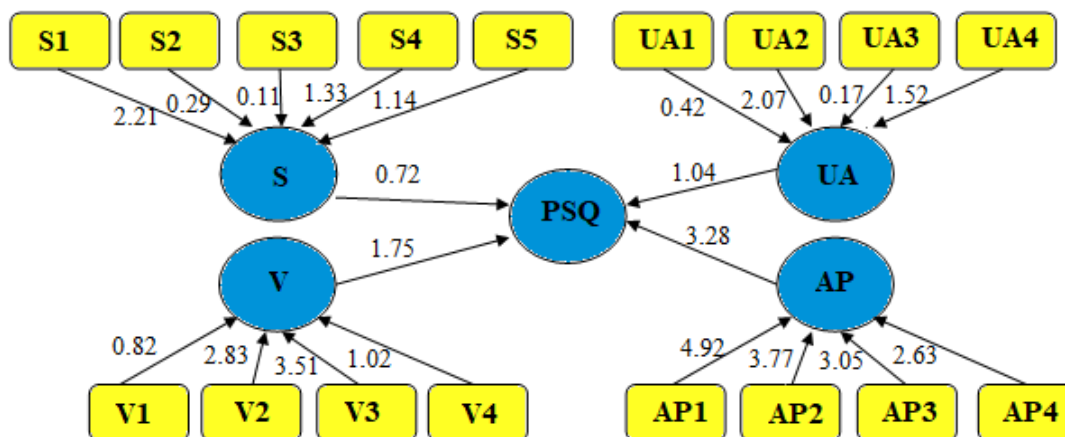
ضرایب مسیر (بتا) و معناداری آن.

در این بخش از تحقیق ضرایب استاندارد شده‌ی مسیرهای مربوط به فرضیه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد (تحقق‌پذیری متغیرهای مستقل). برای محاسبه‌ی ضرایب استاندارد مسیر بین متغیرها باید از الگوریتم پی ال اس استفاده نمود. ضرایب استاندارد شده بین متغیر مستقل و وابسته نشان می‌دهد که متغیر مستقل این میزان درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. شکل شماره ۴ ضرایب استاندارد شده مسیرهای مربوط به هر یک از فرضیه‌ها را نشان می‌دهد.



شکل ۴ - تحقق‌پذیری متغیرهای مستقل (ضرایب استاندارد شده)

شکل ۴ نشان می‌دهد که میزان تحقق‌پذیری ۴ متغیر اصلی و ۱۷ متغیر فرعی تحقیق، در حد ضعیفی بوده و کیفیت فضاهای عمومی شهر جدید عايشهر را ۰/۳۷۷ درصد تبیین می‌کنند. هم‌چنین بیشترین تحقق‌پذیری در بین مؤلفه‌های مورد بررسی مربوط به شاخص‌های دسترسی - نفوذپذیری و سرزندگی به ترتیب با امتیاز ۰/۵۹۱ و ۰/۳۸۲ می‌باشد. در بین متغیرهای فرعی نیز بیشترین تحقق‌پذیری مربوط به مؤلفه‌های دسترسی مناسب به فضا، ورودی و خروجی تعریف‌شده، رعایت بهداشت عمومی و پاکیزه بودن فضا و سهولت حرکت در فضا به ترتیب با امتیاز ۰/۷۲۱، ۰/۶۳۴، ۰/۶۰۲ و ۰/۵۳۷ می‌باشد. هم‌چنین در مدل پی‌ال‌اس جهت بررسی معنی‌داری روابط بین متغیرها یعنی معنی‌دار بودن تحقق‌پذیری متغیرهای مستقل از مقدار آماره‌ی به دست آمده از خروجی مدل استفاده می‌شود. به‌گونه‌ای که مقدار آماره‌ی بزرگتر از ۱/۹۶ برای معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد و مقدار آماره‌ی بزرگتر از ۲/۵۸ برای معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد اطمینان مورد قبول می‌باشد (شکل ۵).



شکل ۵ - آزمون مدل ساختاری

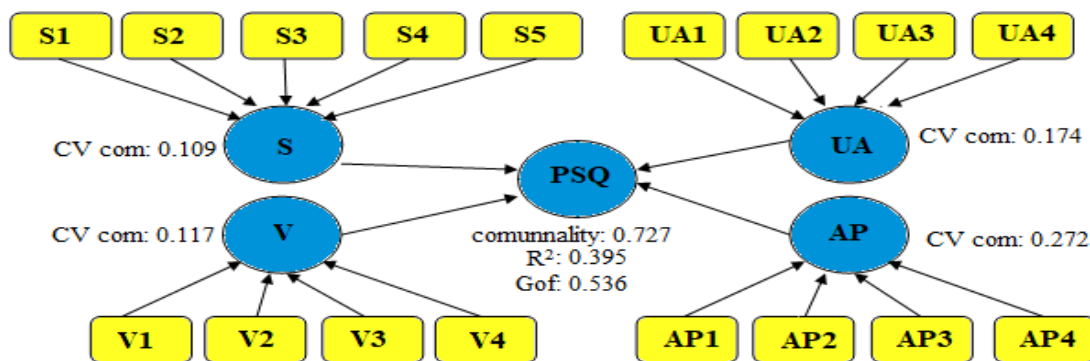
مقدار آماره در مدل تحقیق برای متغیرها نشان می‌دهد از بین ۱۷ متغیر مورد بررسی، تنها ۸ متغیر تحقق یافته‌اند و دارای ارزش تی بالاتر از ۱/۹۶ می‌باشند. همچنین در بین شاخص‌های اصلی نیز دسترسی و نفوذپذیری با امتیاز تی ۳/۲۸ در سطح اطمینان ۹۹ درصد تحقق یافته و سه شاخص دیگر دارای وضعیت نامطلوبی می‌باشند. در جدول ۵ و شکل ۵ که مربوط به نتایج مدل است، آنچه که مهم است مقدار آماره‌ی متغیرها و در واقع مقدار آماره‌ی تحقق‌پذیری متغیر مستقل است. روابطی که در آن مقدار آماره‌ی به‌دست آمده بزرگتر از ۱/۹۶ باشد، تأیید می‌شوند و روابطی که مقدار آماره‌ی آن‌ها کمتر از ۱/۹۶ باشد مورد تأیید واقع نمی‌شوند.

جدول ۵ - آزمون مدل ساختاری (ضرایب مسیر میانگین، انحراف معیار، مقادیر تی)

نتایج آزمون	آماره تی	انحراف معیار	ضریب	شاخص
رد	۰/۷۲۴۹۸۴	۰/۰۷۲۴۹۱	۰/۲۹۵۳۷۷	S
رد	۱/۰۴۲۷۶۳	۰/۰۳۸۰۱۶	۰/۳۲۹۴۰۸	UA
تأیید	۳/۲۸۲۷۶۹	۰/۰۶۶۳۷۲	۰/۵۹۱۵۳۱	AP
رد	۱/۷۵۵۲۶۳	۰/۰۵۲۹۹۴	۰/۳۸۲۴۷۵	V

ج) آزمون کیفیت مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری

یکی دیگر از آزمون‌های ارزیابی مدل اندازه‌گیری انعکاسی، آزمون بررسی کیفیت آن است که به منظور سنجش اعتبار اشتراک استفاده می‌شود. چنانچه مقدار $1-SSE/SSO$ که در واقع همان CV, com مربوط به شکل ۶ است، مثبت باشد، کیفیت ابزار اندازه‌گیری مناسب است. این شاخص در واقع توانایی مدل مسیر را در پیش‌بینی متغیرهای مشاهده‌پذیر از طریق متغیر پنهان متناظرشان می‌سنجد. شکل ۶ آزمون کیفیت مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری را نشان می‌دهد.



شکل ۶ - آزمون کیفیت مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری

با توجه خروجی الگوریتم PLS که در شکل ۶ و جدول ۶ ارائه شده است و مقادیر مثبتی را نشان می‌دهند، می‌توان گفت که مقادیر محاسبه‌شده در حد بالایی قابل قبول می‌باشند. در نتیجه مدل اندازه‌گیری از کیفیت خوبی برخوردار بوده و مدل توانایی پیش‌بینی را داراست.

جدول ۶ - خروجی آزمون کیفیت مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری

مؤلفه‌ها	1-SSE/SSO
S	۰/۱۰۹۳۵۲
UA	۰/۱۷۴۱۶۵
AP	۰/۲۷۲۶۷۴
V	۰/۱۱۷۸۴۱

د) مدل کلی آزمون ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی در مدل‌سازی حداقل مربعات جزئی، شاخصی به نام نیکویی برازش پیشنهاد شده است. این شاخص هر دو مدل اندازه‌گیری و ساختاری را مدنظر قرار می‌دهد و به‌عنوان معیاری برای سنجش عملکرد کلی مدل به‌کار می‌رود. این شاخص به‌صورت میانگین R^2 و متوسط مقادیر اشتراکی بر مبنای رابطه‌ی ۱ محاسبه می‌شود. رابطه‌ی (۱):

$$\sqrt{\text{communality} \times R^2} : \text{Gof}$$

حدود این شاخص بین صفر و یک بوده و سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به ترتیب به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی نموده‌اند. متوسط مقادیر اشتراکی این مدل ۰/۷۲۷ و میانگین R^2 برابر با ۰/۳۹۵ است، نهایتاً شاخص GOF این مدل مقدار ۰/۵۳۶ به دست آمده است که از مطلوبیت کلی مدل حکایت دارد. تحلیل کیفی فضاهای عمومی شهر جدید عالیشهر از منظر شاخص‌های مورد بررسی در این قسمت از تحقیق به بررسی وضعیت فضاهای عمومی شهر جدید عالیشهر بر اساس مشاهدات میدانی نگارندگان پرداخته شده است که نتایج آن به شرح جدول ۷ می‌باشد. قابل ذکر است این شهر از منظر فضاهای عمومی در وضعیتی نامطلوبی قرار دارد و فضاهای سبز و تفریحی این شهر محدود می‌باشند.

جدول ۷ - تحلیل کیفی فضاهای عمومی شهر جدید عالیشهر از منظر شاخص‌های مورد بررسی

شاخص	تحلیل وضعیت موجود
اجتماع‌پذیری	با توجه به عدم وجود مبلمان مناسب و عناصر تفریحی برای سنین مختلف، فضاهای عمومی شهر دارای وضعیت نامطلوبی از منظر جذب افراد از سنین مختلف و حضور مستمر افراد دارند. هم‌چنین از مهمترین ضعف فضاهای عمومی شهر می‌توان به پایین بودن نظارت طبیعی و غیرطبیعی اشاره کرد که مستعد انجام برخی از جرائم می‌گردد. هم‌چنین در بیشتر فضاهای عمومی شهر مانند شهرهای دیگر ایران فضای جنسیتی حکمفرماست و بانوان در آن فضا احساس آرامش و راحتی نمی‌کنند.
کاربری و فعالیت‌ها	طراحی فضاهای سبز و پارک‌های شهر به‌گونه‌ای است که پاسخگوی نیازهای افراد از سنین مختلف نمی‌باشد. هم‌چنین فضاهای عمومی دیگری هم‌چون مجتمع‌های تجاری، خیابان‌ها و ... دارای عملکرد تک‌بعدی می‌باشد و تنوعی در فعالیت‌های این فضاها دیده نمی‌شود که در مواقع ضروری پاسخگوی نیاز افراد باشد.
دسترسی و نفوذپذیری	با توجه به جمعیت شهر دسترسی حرکت مناسب در فضاهای عمومی در وضعیت نامطلوبی می‌باشد. از طرفی طراحی ورودی و خروجی فضاها و هم‌چنین خوانایی آنها در وضعیت مناسبی قرار دارد.

<p>فضاهای عمومی شهر در انواع مختلف آن (پارک، فضای سبز، خیابان، مراکز تجاری و ...) از منظر پاکیزگی در وضعیتی مطلوبی قرار دارند، با این وجود عدم بهره‌گیری از الگوها و رنگ‌های متنوع برای طراحی فضاهای، عدم استفاده از المان‌ها، عناصر و فرهنگ بومی و بی‌روحي این فضاها موجب کاهش حضور افراد، عدم دل‌بستگی و عدم احساس راحتی و آرامش افراد گردیده است.</p>	<p>سرزندگی</p>
--	----------------



شکل ۷ - تصاویری از پارک‌ها و فضاهای سبز شهر جدید عایشهر



شکل ۸ - تصاویری از میدان، خیابان‌ها و فضاهای اطراف بلوک‌های مسکونی شهر جدید عایشهر

بر مبنای مشاهدات میدانی می‌توان عنوان کرد که کارایی و تنوع فعالیت‌ها در فضاهای عمومی مختلف شهر جدید عالیشهر به‌ندرت دیده می‌شود که این امر از یک‌سو نشان از عدم سرزندگی و پویایی این فضاها و از سوی دیگر عدم حضور مستمر افراد و عدم دربرگرفتن نیازهای سنین مختلف دارد. هم‌چنین فضاهای عمومی شهر از منظر نورپردازی و حیات شبانه نیز در وضعیت مطلوبی نمی‌باشند که ناشی از عدم وجود نظارت طبیعی و غیرطبیعی در این فضاها و پیرامون آنها و هم‌چنین وجود فضاهای تاریک و مرده در اطراف آنها می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

گسترش سریع شهرنشینی در طول چند دهه‌ی گذشته و افزایش مسائل و عواملی که استرس و فشارهای فراوانی را به ساکنان شهرها تحمیل می‌کند؛ نیاز به ارتباط بهتر در جوامع شهری برای سرزندگی، گفتمان و مشارکت عمومی بیشتر و درک مشترک مسائل را شدیداً ضروری ساخته است. این نیاز انسان به روابط اجتماعی و سرزندگی، او را نیازمند فضاهایی برای تبادل افکار و اندیشه‌ها نموده است و فضاهای عمومی شهری مکان‌هایی هستند که به ایجاد این عوامل منجر می‌شوند. در این بین، شهرهای جدید که با هدف جذب سرریز جمعیتی مادرشهرها و کلان‌شهرها احداث گردیده‌اند، بایستی دارای جذابیت برای ساکنان خود باشند و برنامه‌ریزی و طراحی مناسب آنها در ابعاد مختلف به‌ویژه فضاهای عمومی که نقشی تأثیرگذار در زندگی عمومی افراد و ماندگاری آنها دارد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. نتایج تحقیق با بررسی فضاهای عمومی شهر جدید عالیشهر نشان می‌دهد که کیفیت فضاهای عمومی شهر در ابعاد مختلف اجتماع‌پذیری، کاربری و فعالیت‌ها، دسترسی - نفوذپذیری و سرزندگی در حد ضعیفی بوده و در این بین بیشترین نارسایی در بعد اجتماع‌پذیری و کاربری و فعالیت‌ها قابل مشاهده است. هم‌چنین با توجه به نتایج مستخرج می‌توان گفت که برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای عمومی شهر جدید عالیشهر از منظر مؤلفه‌هایی چون حیات شبانه، پاسخگویی به نیازهای مکانی - زمانی، حضور متداوم افراد، تنوع کاربری‌ها و فعالیت‌ها و استفاده از الگوها و رنگ‌های متنوع برای طراحی مبلمان و مناظر شهری (سرزندگی و جذابیت منظر شهر) دارای کاستی‌های اساسی می‌باشد و نیازمند بازنگری در اصول برنامه‌ریزی و طراحی این فضاها احساس می‌گردد.

هم‌چنین لازم به ذکر است که یکی از عواملی که عرصه‌های عمومی شهر جدید عالیشهر را از هویت، معنا و مفاهیم اصیل انسانی تهی ساخته و نیاز انسان‌ها به باهم بودن را بی‌جواب نهاده است، همانا ادراک ناکافی طراحان از نیازها و توقعات گروه‌های مختلف اجتماعی، جنسی و سنی برای حضور در عرصه‌های جمعی و جایگزین کردن کمیت، اعداد و ارقام به جای کیفیت در طراحی این عرصه‌ها است. بنابراین به‌منظور ارتقاء کیفیت این فضاها در شهر جدید عالیشهر (که بایستی جذابیت مناسب برای جذب سرریز جمعیتی شهر بوشهر و سایر مهاجران از شهرهای دیگر را داشته باشد) راهکارهای زیر ارائه می‌گردد:

تدوین چارچوب و قوانین مصوب در ایجاد فضاهای عمومی باکیفیت بر مبنای اصول و استانداردهای مطرح‌شده در انواع پژوهش‌ها و تجارب جهانی؛

تعریف ردیف بودجه در انواع طرح‌های توسعه‌ی شهری عالیشهر به‌منظور طراحی و ارتقاء فضاهای عمومی؛ ایجاد فضاهایی پویا بر مبنای مؤلفه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و تفریحی و پاسخگو به نیازهای سنین مختلف؛ افزایش سرانه‌ی فضای سبز در محدوده‌ی مورد مطالعه و هم‌چنین مکان‌یابی مناسب آن‌ها به‌منظور دسترسی آسان شهروندان به این فضاها؛

جانمایی فضاهای تفریحی و مبلمان ورزشی در این فضاها برای ایجاد تنوع در گذران اوقات فراغت؛ استفاده از فضاهای تفریحی و مبلمان ورزشی متنوع در فضاهای سبز شهری به‌منظور ترغیب شهروندان به استفاده از این فضاها و افزایش کارایی آن‌ها؛

حفظ و ارتقاء سبملها و عناصر شاخص موجود با ایجاد نشانه و نمادگرایی‌هایی به‌صورت واضح مانند طرح‌های حجمی و هنرهای تجسمی عناصر یادمانی، لوح‌ها و تندیس‌های سنگی در راستای افزایش حس تعلق و به تبع آن سرزندگی فضاهای عمومی؛

استفاده از آب نماها، نورپردازی‌ها و هم‌چنین رنگ‌های مختلف در طراحی فضاهای عمومی به‌منظور افزایش حس آرامش روحی و روانی؛

بازتعریف فضاها و هم‌چنین ساماندهی فضاهای کور و بی‌دفاع و ساماندهی فضاهای مستعد جرم بخصوص در ساعات شبانه.

منابع

- پاکزاد، جهان‌شاه، (۱۳۸۵). مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.
- تیموریان، کتایون؛ اثنی‌عشری، سیدمانی؛ علی‌پور، شهره، (۱۴۰۰). نقش مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت بصری گرافیک محیطی در توسعه فضاهای عمومی (مورد مطالعه: منطقه یک تهران)، مطالعات مدیریت شهری، دوره‌ی ۱۳، شماره ۴۵، صص ۷۰-۵۹.
- خراسانی‌زاده، فرنوش؛ صابری، حمید؛ مؤمنی، مهدی؛ موسوی، میرنجف، (۱۳۹۹). تبیین ساختاری عوامل مؤثر بر سرزندگی در فضاهای عمومی شهری اصفهان از دیدگاه شهروندان و گردشگران، جغرافیا و برنامه‌ریزی، دوره‌ی ۲۴، شماره ۷۲، صص ۱۵۱-۱۸۱.
- رفعیان، مجتبی؛ تقوایی، علی‌اکبر؛ خادمی، مسعود؛ علی‌پور، روجا، (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی رویکردهای سنجش کیفیت در طراحی فضاهای عمومی شهری، نشریه‌ی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، دوره‌ی ۲، شماره ۴، صص ۴۳-۳۵.
- شجاعی، دلارام؛ پرتوی، پروین، (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس‌های مختلف شهر تهران (نمونه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران)، باغ‌نظر، سال ۱۲، شماره ۳۴، صص ۹۳-۱۰۸.

شولتز، کریستیان نوربرگ، (۱۳۸۴). معماری، حضور، زبان و مکان، ترجمه‌ی علیرضا احمدیان، تهران: انتشارات نیلوفر.
کاشانی‌جو، خشایار، (۱۳۸۹). بازساخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری، هویت شهر، دوره‌ی ۴، شماره ۶، صص ۹۵-۱۰۶.

محمدی‌ارزاده، سجاد؛ شمس‌الهی، بهنوش، (۱۳۹۷). نقش فضاهای عمومی در تحقق شکوفایی شهری و توسعه‌ی پایدار، اقتصاد و مدیریت شهری، دوره‌ی ۶، شماره ۲۳، صص ۱۱۱-۱۲۴.

Banerjee, T. (2001). The Future of Public Space: Beyond Invented Streets and Reinvented Places. *APA Journal*; 67(1): 9-24.

Carmona, M. (2010a). *Public places, urban spaces: The dimensions of urban design*, Amsterdam, Boston: Architectural Press/Elsevier.

Carmona, M. (2010b). Contemporary Public Space: Part Two, Classification. *Journal of Urban Design*; 15(2): 157-173.

Carmona, M., Wunderlich, F. (2012). *Capital Spaces, the Multiple Complex Public Spaces of a Global City*. London: Routledge.

Carr, S., M., Francis, L. G., Rivlin, A., Stone. M. (1992). *Public Space*, Cambridge, Cambridge University Press.

Chiesura, A. 2004. The role of urban parks for the sustainable city, *Landsc Urban Plan*; 68(1): 129-138.

De Groot, R.S. (1992). *Functions of Nature: Evaluation of Nature in Environmental Planning Management and Decision-Making*. Wolters-Noordhoff, Amsterdam.

Garcia-Roman, M, D., Ortiz, A., Parts, M. (2004). Urban planning, Gender and the use of public space in a peripheral neighbourhood of Barcelona, *Cities*; 21(3): 215-223.

Gehl, J. 2011. *Life between buildings: Using public space*. Washington, DC: Island Press.

Gunder, M. (2011). Commentary: Is Urban Design Still Urban Planning? An Exploration and Response, *Journal of Planning Education and Research*; 31(2): 184-195.

Hartmann, T., Jehling, M. (2018). From diversity to justice – Unraveling pluralistic rationalities in urban design, *Cities*; 91: 58-63.

Kohn, M. (2004). *Brave New Neighbourhoods: The Privatization of Public Space*. London, Routledge.

Kurniawati, W. (2012). Public Space for Marginal People. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*; (36): 476 - 484.

Lopez, M. N., Camanho, A.S. (2012). *Public Green Space Use and Consequences on Urban Vitality: An Assessment of European Cities*, Springer Science+Business Media B.V: 1-17.

López-Mosquera, N., Sánchez, M. (2011). Emotional and satisfaction benefits to visitors as explanatory factors in the monetary valuation of environmental goods. An application to periurban green spaces, *Land Use Policy*; 28(1): 151-166.

Mandeli, K. (2019). Public space and the challenge of urban transformation in cities of emerging economies: Jeddah case study, *Cities*; 95: 1-13.

Maring, L., Blauw, M. (2018). Asset management to support urban land and subsurface management. *The Science of the Total Environment*; 615: 390-397.

Mehta, V. 2014. Evaluating Public Space, *Journal of Urban Design*; 19(1): 53-88.

- Miroslava, V. (2016). A Typological Classification of Neighborhood Public Open Spaces: a case Study of Novi Grad –Podgorica. *Facta Universitatis Series: Architecture and Civil Engineering*; 14(1): 111 – 121.
- Müller, A.-L. (2019). Voices in the city. On the role of arts, artists and urban space for a just city. *Cities*; 91: 49–57.
- Naveh, Z. (1997). The value of open landscapes as life supporting systems. *Israel Environ. Bull*; 20(4): 21–24.
- NSW Government. (2010). Recreation and Open Space Guidelines for Local Government. New South Wales Government, <http://www.planning.nsw.gov.au> (retrieved July 2015).
- Orum, M. A, Neal, P. Z. eds. (2010). *Common Ground? Readings and Reflections on Public Space*. New York, Taylor and Francis.
- Peschardt, K. K., Stigsdotter, U. K. (2013). Associations between park characteristics and perceived restorativeness of small public urban green spaces, *Landscape Urban Plann*; 112: 26–39.
- Reily, C. J., Renski, H. (2008). Place and Prosperity: Quality of Place as an Economic Driver, *Maine Policy Review*; 17(1): 11-25.
- Tibbalds, F. 1992. *Making People-Friendly Town: Improving the public environment in towns and cities*. First published 1992 by Longman Group UK, Ltd.
- Ward Thompson, C. (2002). Urban open space in the 21st century, *Landsc Urban Plan*; 60(2): 59–72.

An Analysis of the Quality of Public Spaces in New Cities (Case Study: Alishahr New City)

Sorosh Gharmsirinezhad ^{1*}, Ahmadali Khorrambakht ², marzieh mogholi ³

1. PhD student of geography and urban planning, Larestan Branch, Islamic Azad University, Larestan, Iran
2. Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Larestan Branch, Islamic Azad University, Larestan, Iran
3. Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Larestan Branch, Islamic Azad University, Larestan, Iran

Abstract

Urban public spaces are a platform for the production and exchange of public and civic activities of the citizens of a city, and the proper quality of these spaces is a necessary condition for any urban society. Considering the importance of this spaces, the purpose of this study is to evaluate the quality of public spaces in the new city of Alishahr. In this regard, the research method is mixed (a combination of quantitative-qualitative approaches) with an applied purpose and descriptive-analytical and survey nature. Findings show that based on the structural model and the amount of t-statistic obtained, among the 17 variables studied to assess the quality of public spaces in the new city of Alishahr, only 8 variables have been realized and have a t-value higher than 1.96. Based on field observations, it can be said that the efficiency and variety of activities in different public spaces of the new city of Alishahr is rarely seen, which on the one hand shows the lack of vitality and dynamism of these spaces and on the other hand the lack of continuous presence of people of different ages. Also, the public spaces of the city are not in a good condition in terms of lighting and nightlife, which is due to the lack of natural and unnatural supervision in and around these spaces, as well as the existence of dark and dead spaces around them.

Keywords: Urban space, Public space, New city, Alishahr.